

یادی از مرحوم علی محمد حیدریان، از شاگردان کمال الملک، هم‌زمان با سالروز درگذشتش

جواهرسازی هنری بود که وقتی در رگ های
علی محمد جاری شد، با علاقه به نقاشی تابلور
یافت.

پس از اتمام دوره تحصیلی در رشته مهندسی عمران، به دلیل علاقه به مباحث علمی و پژوهشی، به تحصیل در مقطع تحصیلات تکمیلی در رشته مهندسی عمران در مقطع کارشناسی ارشد در دانشگاه تهران ادامه داد. در این مقطع تحصیلی، به دلیل علاقه به مباحث علمی و پژوهشی، به تحصیل در مقطع تحصیلات تکمیلی در رشته مهندسی عمران در مقطع کارشناسی ارشد در دانشگاه تهران ادامه داد. در این مقطع تحصیلی، به دلیل علاقه به مباحث علمی و پژوهشی، به تحصیل در مقطع تحصیلات تکمیلی در رشته مهندسی عمران در مقطع کارشناسی ارشد در دانشگاه تهران ادامه داد.

هرچند علی محمد حیدریان نیز همچون استادش، نسخه برداری‌های بسیاری از آثار غیر ایرانی در کارنامه خود داشت، اما از جایی در رگه‌های امپرسیونیسم در منظره‌پردازی‌های دادا شد که با اسلوب قلم‌زنی آزاد و روشن‌تر رنگ‌ها، راه خود را از استاد کمال‌الملک جدا کرد. تمایز او نسبت به کمال‌الملک، اجرای نقاشی نبود.

نند سال ۶۸ بوده که بر اثر زمین خوردن در خانه خود نود و سه سالگی مجبور شد مابقی عمر خود را روی اسپری کند و پس از شش ماه در ۲۵ شهریور سال ۶۹ در ۴۰ و چهار سالگی از دنیا رفت و در بهشت زهرا (ع)^۱ آرام گرفت.

غلامحسین نامی از شاگردان استاد حیدریان:

زمان تحصیل مادر دانشکده، استاد علی محمد حیدریان از شاگردان کمال الملک رئیس گروه نقاشی بود. هرچند دانشکده را بر اساس مدرسه هنری بوزار پاریس طراحی کرده بودند، اما آن زمان نگاه رئالیستی و کلاسیک بود. خودش تکلیف می کرد و ما با ترس و لرز کارهای نو و مدرن می کردیم.

ابوالحسن خان صدیقی شاخص ترین مجسمہ ساز ایران:

پدر من بیشتر می‌پسندید که بزک یا مهندس شوم. اما من به جایش با علی محمد حیدریان رفتم نزد کمال الملک. جوان بودیم و احتمال نمی‌دادیم که ما را به شاگردی پذیرد. حیدریان بسیار مشتاقانه اصرار کرد تا شاگردی کند. تا اینکه سرانجام کمال الملک پذیرفت و ما را شاگرد خودش کرد.

آشیشال *

تصدقت کردم نقره جانم
 احوال سرکار خوب است؟ آقا جان
 خوب اند؟ چه حال و اخبار؟ مدت
 مدیدی از احوالات حناستان

نود دقیقه لگد زیر توپ بزند و برود و من بعد
 ذلک نه خانی آمده نه خانی رفته است. مجازی
 راهم که ورق می زنی هر کسی بر چارپایه ای
 بالا رفته و چیزی گفته و خلاصه بلبشویی

و هر که آید خوش آید ما میراث دار همان
 پیریم که فرمود هر که در این سرای آمد
 نانش دهد و از ایمانش نپرسید. البته که
 باید حضور ی این چنین باشکوه و

خدا می آید و می رود و از در اتاقش می آید و
 توی اتوبوس فیلانش می نشیند و توی اتوبان
 قرق شده گاز کش می رود تا روزگناه و دور باش
 کوباش خدم و حشمش نم گذارند یک نظر

خداست

مدتی است به خدمت یکان از تیم‌های عربستانی درآمده و در حجاز لنگ و لگد زیر توپ می‌زند و حالا قرار است سربازی‌های آسیایی بیاید ایران

این گونه نباشد که برای خوشایند و نوری چشم بودن و به دید دور بین ها آمدن مهم باشد و فقط بپایند و بروند و شرش کم شود و خلاص. اگر این ها برای زیست لازم است که برای ما هم لازم است و اگر خوشایند مهمان است که دم مستولان هم گرم آن بنده

روز مره . خانم جان . حالا نگویید بعد دوما
کاغذ فرستاده دوباره دارد مثل کنبز
حاج باقر غربه جان مامی زند. اصلاولش کنبد
دوستان خوبید؟ سلامتید؟ آقا جان خوباند؟
راستی شما فیلم «روز باشکوه» را دیدید اید؟
علیرضا خان خسته بازی می کند. ندیده اید
حتما ببینید.

به قلم میرزا ابراهیم خان شکسته نویسنده
* به لهجه مردم کویر بم، به سبزه روئیده بر دوطرف جوی آب
می گویند

ای پسر، بدان و آگاه باش و بهر گناهی مردم را مستوجب عقوبت بدان و اگر کسی گناه کند از خویشتن در دل عذر گناه او بخواه، که آدمی است و نخست گناه آدم کرد، چنانکه من گویم:

گر من روزی ز خدمت گشتم فرد صدراہ دلہ از تو پشیمانی خورد
حانانہ یکے گناہ از بندہ مگرد من آدمی گنہ نخست آدم کرد

قابوس نامہ / عنصر المعالی / باب سی ام



به عشق امام رضا^(ع) مجاوران نشان آستین بالا زدند تا آب توی دل زائران
آقا نکلان نخورد.
عده‌ای در تدارک محل اسکان بودند، عده‌ای شبانه روزی در
بیستگاه‌های زائر از مردم پذیرایی کردند و برخی هم بساط پهن کردند
برای زودون غبار از کش‌های زائران پیاده‌علی بن موسی الرضا^(ع).
در این بساط عاشقی هیچ کس
نی‌صیب نماند.

برای مشاهده گزارش تصویری کد را
اسکن کنید.

عکس: محمد حسن صلواتی

دماي هوايي مشهد

۲۸° ↑ ۱۳° ↓	رطوبت هوا	۳۲%	☀️
ظهر ۲۶	🕒	صبح ۱۸	🕒
شب ۱۹	🕒	عصر ۲۴	🕒

● اذان ظهر ۱۱:۰۷
● نیمه شب شرعی ۲۲:۴۳
● غروب آفتاب ۱۷:۳۶
● اذان صبح فردا ۵:۰۹
● طلوع آفتاب فردا ۱۰:۱۶
● اذان مغرب ۱۷:۵۵

اوقات شرعی مشهد

کارتون
شهر



هم و غم این روزهای کاربران فضای مجازی:
جست و جوی خوشبختی واقعی در دنیای غیر واقعی

خی
وخی

● با تعجب گفتم: همین داداشت که پریروز
استخدام شده تو بانک، دیروز اختلاس
کرده؟

اون اختلاسی رو که قول داده بودم، انجام میدم.
اصلاً شما اختلاس منو انجام شده بدون.
خاطر جمع جمع جمع!

همسر م‌آهی کشید و رفت توی آشپزخانه.
من هم از فرصت استفاده کردم و دو تا قند
برداشت‌م و توی جیبم گذاشتم. حالا می‌شد
توی اداره چایم را با آن بخورم تا آن دو تا قندی
که بیشتر از استحقاقم خورده بودم جبران شود.

مه
شت

... جنبه دیگری که این معنویت را استمرار می‌دهد، این است که انسان ارتباطش را قطع نکند. مثلاً با حضور هفتگی در هیئات خانگی یا در مساجد یا در بقاع متبرکه این توجهات معنوی را استمرار بدهد. این استمرار ارتباط فقط از طریق مجالس تعزیه الهی باشد علیهم السلام نیست، بلکه همان طور که در ایام حزن آل... باید محزون باشیم، در ایام فرح آل... هم باید خوش حال باشیم. به‌عنوان مثال ماه ربیع در پیش است که این ایام هم بهانه و جلوه دیگری از ارتباط است که باید با حضور نوجوانان از آن استفاده داد کثرت کنیم.